

# اورشلیم و جنگ‌های صلیبی



تالیف:

دکتر سیروس ارشادی

صلیبیون چه اشخاصی بودند و چه میگفتند ؟  
چرا پرزیدنت بوش در سخنرانی خود از جنگهای صلیبی یاد کرد ؟

بار ها از من سؤال شده که عقاید موجود را درباره ناخشنودی و شکایت دنیای اسلام بر علیه غرب ابراز کنم و بگویم که بر خوردهای حاضر ناشی از حمله غرب بر ضد مسلمانان آرامش طلب و بردبار قرون وسطی است یا نه و آیا میتوانیم جنگهای صلیبی را مسئول و بنیانگذار این اختلاف عمیق بدانیم یا نه ؟  
اسامه بن لادن هم همین عقیده را دارد . او هم در ویدیوهای مختلفی که هر از چندی صادر میکند ، در تمام موارد نبرد امریکا با تروریسم را جنگ صلیبی جدیدی بر علیه اسلام میداند .  
رئیس جمهور سابق امریکا بیل کلینتون هم بعنوان ریشه بر خوردهای حاضر ، انگشت اتهام را متوجه صلیبیون کرد و در سخنرانی در دانشگاه جرج تاون با آب و تاب بسیار از قتل عام یهودیان در سال ۱۰۹۹ پس از پیروزی صلیبیون در اورشلیم یاد کرد و گفت هنوز هم از این واقعه بتلخی یاد میشود .

سوء تفاهم در مورد جنگهای صلیبی و صلیبیون تازگی ندارد . آنطور که مرسوم شده صلیبیون را گروهی بنیادگرای مسیحی میشناسند که با راهنمایی و فرمان پاپ های دیوانه بر علیه اسلام وارد جنگ شدند . آن ها خود را بهر عملی محق میدانستند و چون لکه سیاهی بر تاریخ کلیسای کاتولیک و تمدن غرب هستند . صلیبیون پیشقراولان امپریالیسم بودند و با تهاجم غربیها بر ضد مردمان صلح طلب خاورمیانه تمدن مشعشع اسلامی را منحرف و نابود کردند . اما حقیقت غیر از این است . جنگهای صلیبی و ورود غربیها به شرق نزدیک از هر جهت نبردی تدافعی و پاسخی به تهاجم مسلمانان و پس راندن آن ها از سرزمینهای مسیحی بود .

مسیحیان قرن یازدهم کهنه پرستانی رویائی نبودند . هر که بجای آنها بود در برابر مهاجمین با هر وسیله ممکن از خودش دفاع میکرد . توجه کنید که تنها وسیله گسترش امپراتوری اسلامی شمشیر نیز و برنده بود . اسلام جهان را بدو بخش **دارالاسلام** یعنی تحت حکومت اسلامی و **دارالحرب** یا **دارالکفر** یعنی غیر اسلامی تقسیم میکند و هیچ بخشی را به مسیحیان و یهودیان ( که آن ها را اهل کتاب میدانند ) متعلق نمیداند و میگوید مسیحیان و یهودیان در دارالاسلام و تحت حکومت اسلامی بشرط پرداخت جزیه تحمل میشوند ولی سر انجام ممالک یهودی و مسیحی باید منهدم شوند و به تصرف مسلمانان درآیند و جزئی از دارالاسلام شوند .

در قرن هفتم هنگامی که پیامبر اسلام به مکه حمله کرد ، گروه کثیری از ثروتمندان منطقه مسیحی بودند . با انتشار آئین امپراتوری روم در مدیترانه شرقی و خاور نزدیک ، طبیعی بود که این سرزمین ها هدف اصلی و اولیه خلفای مسلمان بودند و تا هزار سال بعد هم مورد طمع رهبران اسلامی قرار داشتند .

با درگذشت پیامبر اسلام ، جنگجویان مسلمان به حمله پرداختند و بسیار هم موفق بودند . فلسطین ، سوریه و مصر که زمانی سرزمین های مسیحی بودند بسرعت از پا درآمدند . با رسیدن بقرن هشتم مسلمانان توانستند تمام نواحی مسیحی نشین شمال آفریقا و اسپانیا را تصرف کنند . در قرن یازدهم ترکان سلجوقی آسیای صغیر ( ترکیه امروزی ) را که از زمان پولس حواری ( سنت پل ) مسیحی بود اشغال و تصرف کردند . با این ترتیب امپراتوری روم شرقی ( بیزانس ) منحصر به یونان و چند جزیره کوچک شد و امپراتور که در کنستانتینوپل ( قسطنطنیه امروزی ) مستقر بود از روی نومیدی پیامی به مسیحیان اروپای غربی داد و تمنی کرد که بکمک خواهران و برادران مسیحی خود برخیزند .  
با این مقدمه جنگهای صلیبی شروع شد . این حرکت زائیده جاه طلبی پاپ یا سلحشوران غارتگر نبود بلکه پاسخی به چهار قرن غارتگری و غصب بیشتر از دوسوم ممالک مسیحی دنیا بود . در حقیقت مسیحیت بعنوان ایمان و تمدن یا میبایست از خود دفاع کند و یا بوسیله اسلام نابود شود . این دفاع جنگهای صلیبی بود .

در سال ۱۰۹۵ در شورای کلرمونت پاپ اوربان دوم از شوالیه های دنیای مسیحی دعوت کرد تا سرزمینهای را که مسلمانان غصب کرده بودند ، از آنها پس بگیرند . پاسخ به این دعوت فوق العاده بود . هزاران نفر با سوگند به صلیب آماده جنگ شدند . چرا ؟ زیرا مشوق و محرک آنها فقط ایمان ، ایثار و محبت خدا بود .  
در طول دودهه اخیر توجه به جنگجویان صلیبی نشان داده که اغلب آنها شوالیه های ثروتمند و مالکین املاک بزرگی در اروپا بودند و با طیب خاطر حاضر بودند همه را در راه نیل به آرزوی مقدسی که داشتند ، از دست بدهند . صلیبی بودن

ارزان نبود. حتی شوالیه های ثروتمندی که به صلیبیون میبوستند به آسانی خود و بستگانشان را در معرض فقر میانداختند. برخلاف بعضی دیگر، جنگجویان صلیبی برای کسب پول و غنائم جنگی به نبرد نمیرفتند بلکه هدفشان آن بود که گنجهای خود را در محلی بباندوزند که بید و زنگ زیان نمیرساند و زندان نقب نمیزنند و دزدی نمیکند. پاپ اوربان دوم دو هدف در برابر صلیبیون قرار داد که تا قرنهای بعد هدف اصلی صلیبیون شرقی بود. بعد ها جانشین او پاپ معصوم سوم نوشت: چگونه شخصی میتواند بر طبق فرمان خداوند همسایه خود را مثل خودش دوست بدارد وقتی که میبیند برادران اسمی و ایمانی او از سوی بزهکاران محاصره شده و زیر یوغ سنگین بردگی قرار دارند، هیچ اقدامی برای آزاد کردن آنها انجام ندهد؟ آیا نمیدانید که هزاران مسیحی در قید بندگی هستند و یا در زندان مسلمانان تحت شکنجه و عذاب قرار دارند؟

پروفیسور رایلی اسمیت استاد نامدار تاریخ قرون وسطی بدرستی مینویسد: جنگهای صلیبی نمودار حقیقی محبت نسبت به همسایگان بود. همان طور که پاپ معصوم سوم به شوالیه های تمپلر نوشت: شما به نوشته اناجیل مقدس عمل میکنید که میفرماید چه محبتی از آن بالا تر است که شخص جان خود را در راه دوستانش بدهد

هدف دوم آزاد سازی اورشلیم و سایر امکنه مقدس مسیحی بود. لغت جنگجوی صلیبی واژه تازه ای است. در قرون وسطی این افراد خود را زائرین اماکن مقدس مسیحی میدانستند و با پارسانی و پرهیزکاری بزیارت مدفن موقتی عیسی مسیح میرفتند. احساس اقتاع و رضایتی که صلیبیون داشتند، همان بود که زائرین بدان دست میافتند و شادمان میشدند. در آغاز سال ۱۲۱۵ قبل از پنجمین جنگهای صلیبی، پاپ معصوم سوم نوشت: فرزندان بسیار عزیز من توجه کنید، اگر یکی از شوالیه های تمپلر از مقام خودش خلع و شاید هم زندانی شود، هنگامی که آزادی خود را بازیابد و در صدد اجرای عدالت برآید، آیا جانشین غصبی خود را خائن نمیداند؟ مگر آنکه در راه آزادی او اقدامی کرده باشد. بهمین گونه خداوند ما عیسی مسیح شاه شاهان که نمیتوانید منکر وجود او بشوید و کسی که خون خود را در راه گناهان شما ریخت، شمارا بعلت عدم همکاری، بیوفائی و خودداری از کمک به او محکوم نمیکند؟

با این فلسفه هدف از آزادی اورشلیم تفکری استعماری نبود بلکه رساندن حق به حقدار و اعلام محبت و علاقه قلبی نسبت به خداوند بود.

چند بار گفته شده که هدف از جنگهای صلیبی تغییر مذهب اجباری مسلمانان بوده. هیچ دروغی نمیتواند بزرگتر از این اتهام باشد. از نظر مسیحیان قرون وسطی مسلمانان دشمنان مسیح و کلیسای او بودند و آنها یعنی جنگجویان صلیبی وظیفه داشتند با شکست دادن مسلمانان از مسیح و مسیحیت دفاع کنند. همین و همین. در نواحی که بتصرف مسیحیان در میآمد، مسلمانان مجاز بودند اموال و املاک و آئین خود را نگاه دارند. در حقیقت در طول جنگهای صلیبی در اورشلیم، تعداد مسلمانان خیلی بیشتر از کاتولیک ها بودند. فقط در قرن سیزدهم فرانسیسکن ها در بین مسلمانان بفعالیت تبلیغی پرداختند ولی موفقیت چندانی پیدا نکردند. بهر حال هر چه بود فعالیت تبلیغی آنها با تهدید و خشونت همراه نبوده و گفتمانی صلحجویانه بود.

حقیقتی که تاریخ مویده آن است تصریح میکند که سال ها قبل از جنگ های صلیبی اروپائیان، پیامبر اسلام بر علیه مسیحیان به نبرد پرداخت. امروزه مسلمانان ادعا میکنند که اسلام برترین آئین جهان است و این دنیای غرب است که سرزمین های اسلامی را با مقاصد امپریالیستی روده است. غربیها حتی بعضی از روشنفکران غربی قبول دارند که تنها دنیای غرب مهاجم بوده و اسلام همیشه با شکیبائی و معصومیت با غرب روبرو بوده است. کشف اساس (نفرت از خود) آسان نیست و چه بسا ممکن است رابطه مستقیم با جنگهای قرون وسطی داشته باشد.

منصفانه باید ذکر شود که اگر جنگهای قرون وسطی را در برابر رفتار مسیحیان قرن اول بگذاریم، نتیجه مثبت نخواهد بود. ولی آیا این مسیحیان بودند که برای چپاول و غارت با بربریت این جنگها را شروع کردند و یا اینکه در تحت تعدی و فشار روزافزون قرار داشتند و چاره ای جز دفاع از خود نداشتند.

منظور از این یادداشتها بهیچوجه دفاع از صلیبیون اروپائی نیست بلکه شرح حقیقی حوادث و وقایعی است که در تاریخ ثبت شده است. در این نوشته لغت جنگ صلیبی در ترداد با جهاد آمده است.

شاید مسلمانان فراموش کرده اند که قرن ها قبل از جنگهای صلیبی آن ها بودند که بنام گسترش اسلام به ممالک دیگر حمله میکردند. البته جنگجویان اسلامی بسیار موفق بودند و توانستند امپراتوری رم شرقی (بیزانس) و امپراتوری ایران را که در جنگ با یکدیگر ضعیف شده بودند، باسانی در هم بکوبند و خلائی را که در منطقه پیدا شده بود با طوفان اسلام پر کنند.

پیامبر اسلام دو سال قبل از وفاتش در سال ۶۳۰ به تابوک حمله کرد. در این حمله سی هزار جنگجوی اسلامی (جهادپست) او را در جنگ بر علیه مسیحیان بیزانس همراهی میکردند. او شنیده بود که لشکر عظیمی آماده حمله به عربستان بود اما این شایعه صحت نداشت. این بود که سپاهیان عرب بعد از امضای قراردادی با قبائل شمال عربستان به قرارگاه خود باز گشتند. در این قرارداد قید شده بود که ساکنین قبائل شمالی حجاز با پرداخت جزیه از امتیاز زندگی تحت حمایت اسلام برخوردار می شوند.

از آن سال ببعد و حتی در دوران خلافت خلفای اسلامی رسم بر آن قرار گرفت که اگر ناحیه ای مورد حمله قرار میگرفت و بتصرف مسلمین در میآمد، ساکنانش یا مسلمان میشدند و جانشان در امان بود و فقط مالیاتی بنام ذکات میپرداختند و یا اگر در ایمان خود ثابت و پابرجا میماندند، میبایست مالیات بیشتری بعنوان جزیه یا خراج بپردازند. در هر دو صورت پول و سرمایه به بیت المال مسلمانان در حجاز و یا حکمرانان مسلمان محلی سرازیر میشد.

در این بخش بجا خواهد بود که خلاصه ای از حوادث تاریخی را ذکر کنیم:

۶۳۲-۶۳۴ در دوران خلافت ابوبکر مسلمانان بر مشرکین حجاز فائق شدند و آنها را مجبور کردند که مسلمان شوند و یا بقتل برسند. این گروه نمیتوانستند بعقیده خود پایبند بمانند و جزیه بپردازند.

۶۳۳- جهادیون مسلمان بفرماندهی خالد ابن ولید که بسیار قسی القلب بود و بعلت رشادت و خشونتش در جنگها از سوی پیامبر بلقب (سيف الله) یعنی شمشیر خدا نامیده شده بود (تاریخ طبری ۱۷-۱۶/۱۵:۸) شهری را در کنار فرات تسخیر کردند، خالد آنقدر مردمان شهر را گردن زد که خون بصورت رودی جاری شد که اعراب آنرا خونرود نامیدند (تاریخ طبری ۳۵-۳۴/۲۴:۱۱).

۶۳۴- مسلمانان در نبرد یارموک واقع در سوریه روم شرقی را شکست دادند. امروز اسامه بن لادن از این پیروزی الهام میگیرد و از لطیفه ای که درباره خالد ابن ولید گفته شده یاد میکند. گزارشگر مسلمانی که نام او ذکر نشده میگوید: رومی ها آنقدر زیاد و مسلمانان اینقدر کم هستند، خالد با حاضر جوابی میگوید: رومی ها چقدر کم و مسلمانان چقدر زیاد هستند. لشگریانی که پیروز میشوند، زیادند و شکست خوردگان اندک و حقیراند. بخدا اگر دشمن دو برابر بود من شاد تر میشدم. (تاریخ طبری ۹۵/۲۰۹۴:۱۱)

اسامه بن لادن از قول خالد میگوید: **جنگجویان من بیشتر از آنچه که شما بزندگی علاقه نشان میدهید، طالب مرگ هستند.** تصور میشود فلسفه مرگ طلبی فرآیند سوره ۲:۹۶ است که پیامبر اسلام با اشاره به یهودیان میگوید: **شما بیشتر از دیگران و حتی مشرکین بزندگی دل بسته اید** (عبد الحلیم: مقدمه قرآن چاپ آکسفورد ۲۰۰۴)

۶۳۵- مسلمانان دمشق را محاصره و فتح کردند.

۶۳۷- مسلمانان در نبرد قادسیه عراق را فتح کردند.

۶۳۸- مسلمانان اورشلیم را از روم شرقی گرفتند و اشغال کردند.

۶۳۸-۶۵۰- مسلمانان امپراتوری ایران را بجز نواحی اطراف دریای خزر فتح و تصرف کردند.

۶۳۹-۶۴۲- مسلمانان مصر را اشغال کردند.

۶۴۱- مسلمانان کنترل سوریه و فلسطین را بدست گرفتند.

۶۴۳-۷۰۷- شمال آفریقا بتصرف جنگجویان مسلمان درآمد.

۶۴۴- خلیفه عمر بدست یک اسیر جنگی ایرانی بقتل رسید و عثمان ابن عفان که بسیار ملایمتر از عمر بود بعنوان خلیفه سوم انتخاب شد.



- ۶۴۴-۶۵۰- مسلمانان قبرس و تریپولی را در شمال آفریقا تصرف کردند و در ایران ، افغانستان و سند حکومت اسلامی را تاسیس کردند .
- ۶۵۶- خلیفه عثمان توسط جنگجویان ناراضی مسلمان بقتل رسید و علی ابن ابیطالب داماد و پسر عم پیامبرجانشین او شد . علی شوهر فاطمه دختر پیامبر از همسر اولش خدیجه بود .
- ۶۵۶- جنگ جمل : که در آن عایشه سوگلی پیامبر بانتقام کشتن عثمان رهبری طغیان بر علیه علی را بعهده داشت و در این نبرد طرفداران علی پیروز شدند .
- ۶۵۷- جنگ صفین بین علی و فرماندار اورشلیم و میانجیگری بر علیه علی .
- ۶۶۱- کشته شدن علی بوسیله ابن ملجم مرادی . پیروان علی فرزند او حسن را خلیفه بعدی میدانستند ولی او طی قراردادی با معاویه حق خود را باو فروخت و خود ساکن مدینه شد .
- ۶۶۱-۶۸۰- خلافت معاویه . او بنیان گزار سلسله خلفای بنی امیه بود و پائیتخت را از مدینه به دمشق منتقل کرد .
- ۶۳۷-۶۷۸- اعراب کنستانتینوپل را که پائیتخت امپراتوری بیزانس بود محاصره کردند .
- ۶۸۰- حسین فرزند دیگر علی و یارانش در کربلا کشته شدند .
- ۶۹۱- بنای مسجد الاقصی در اورشلیم تکمیل شد .
- ۷۰۵- عبدالملک حکومت بنی امیه را تجدید کرد .
- ۷۱۰-۷۱۳- نیروهای مسلمان دره ایندوس سفلی را (که امروز بخشی از بلوچستان و پاکستان است) ، تصرف کردند .
- ۷۱۱-۷۱۳- مسلمانان اسپانیا را تصرف و امپراتوری اندلس را تاسیس کردند . بعد ها هفتصد سال طول کشید تا اسپانیولی ها توانستند آنها را اخراج کنند .
- ۷۱۹- قرطبه ( کوردوا) در اسپانیا ، سلطان نشین حکومت عرب شد .
- ۷۳۲- مسلمانان در نبرد پواتیه واقع در مرز فرانسه امروز ، شکست سختی خوردند و متوقف شدند .
- ۷۴۹- عباسیان کوفه را تصرف و به حکومت بنی امیه پایان دادند .
- ۷۵۶- بنیاد حکمرانی که بنی امیه در اسپانیا گذاشته بودند ، از عباسیان جدا و مستقل شد .
- ۷۶۲- تاسیس و بنیانگذاری بغداد .
- ۷۸۵- تاسیس مسجد بزرگ قرطبه (کوردوا)
- ۷۸۹- قیام امیر ادریس در مراکش . بنیاد فز ( ) مسلمانانی که مسیحی شده بود گردن زده شد .
- ۸۰۰- حکومت سلسله مستقل عقلابی در تونس .
- ۸۰۷- بدستور خلیفه هارون الرشید تمام مراکز مذهبی غیر مسلمانان و کلیسای مریم مجدلیه در اورشلیم ، خراب شد .

- ۸۰۷- مسلمانان عقلا بی جزیره ساردنی را در ایتالیا متصرف شدند .
- ۸۱۳- مسیحیان فلسطین مورد حمله و آزار قرار گرفتند و تعداد زیادی از آنها مجبور به فرار شدند .
- ۸۳۱- مسلمانان مهاجم پالمو را در ایتالیا متصرف شدند .
- ۸۵۰- المتوکل خلیفه مسلمان دستور داد تا تمام مراکز مذهبی مسیحیان و یهودیان منهدم شود .
- ۸۵۵- طغیان و قیام مسیحیان در سوریه .
- ۸۳۷-۹۰۱- مسلمانان مهاجم عقلا بیدی جزایر سیسیل و کرس را در ایتالیا و فرانسه اشغال کردند .
- ۸۶۹-۸۸۳- شورش غلامان سیاه پوست در عراق .
- ۹۰۰- قیام خلفای فاطمی در تونس و اشغال سیسیل و ساردنی .
- ۹۲۸-۹۶۹- تجدید حیات ارتش روم شرقی ، بازپس گرفتن نواحی اشغالی مثل قبرس (۹۶۴) و طرسوس (۹۶۹) .
- ۹۳۷- خلیفه به امپراتور روم ، رومانوس ، نامه نوشت و از کنترل بر سرزمین های مقدس به لافزنی پرداخت .
- ۹۳۷- کلیسای رستاخیز که در دنیای لاتین غرب معروف به کلیسای مقبره مقدس است ، بوسیله مسلمانان به آتش کشیده شد و کلیساهای دیگر نیز در اورشلیم مورد حمله قرار گرفتند .
- ۹۶۰- ترکهای قراخانی به اسلام گرویدند .
- ۹۶۶- شورش بر ضد مسیحیان در اورشلیم .
- ۹۶۹- جنگجویان مسلمان فاطمی مصر را تصرف و قاهره را بنیان نهادند .
- ۹۷۰- سلجوقی ها متصرفات مسلمانان را در شرق اشغال کردند .
- ۹۷۳- فاطمی ها فلسطین و جنوب سوریه را بار دیگر فتح کردند .
- ۱۰۰۳- اولین دوران زجر و شکنجه مسیحیان بفرمان الحکیم . کلیسای مرقس مقدس در نوستات ( پائیتخت سابق مصر ) خراب و منهدم شد .
- ۱۰۰۹- انهدام مجدد کلیسای رستاخیز بدستور الحکیم .
- ۱۰۱۲- شروع تصویب مقررات ظالمانه و شکنجه مسیحیان و یهودیان توسط الحکیم .
- ۱۰۱۵- زمین لرزه در فلسطین و فرو ریختن گنبد مسجد الاقصی .
- ۱۰۳۱- انقراض سلسله بنی امیه و تقسیم آن به پانزده سلسله مستقل .
- ۱۰۴۸- تکمیل تجدید کلیسای رستاخیز در اورشلیم .

۱۰۵۰- تاسیس گروه جنگجویان المرابطون در موریتانی . این گروه از ائتلاف بربرهای صحرای غربی و پیروان اسلام با تاکید بر قرآن ، حدیث و قوانین مالکی تشکیل شد .

۱۰۵۵- طغرل شاهزاده سلجوقی وارد بغداد شد و سلطان نشینی سلجوقی را اعلام کرد .

۱۰۵۵- اموال و املاک کلیسای رستاخیز مصادره شد .

۱۰۷۱- نبرد مالزگرد ، در این جنگ آلپ ارسلان سلجوقی با تصرف شرق آناتولی و باسارت گرفتن امپراتور رومانوس دیوجنس ، بیزانس را شکست داد .

۱۰۷۱- جنگجویان مسلمان ترک به فلسطین حمله کردند .

۱۰۷۳- تصرف اورشلیم بوسیله ترکهای مسلمان .

۱۰۷۵- مسلمانان سلجوقی نیقیه را متصرف شدند و پائیتخت خود را در آناتولی مستقر کردند .

۱۰۷۶- مسلمانان المرابطون ( که در غرب بنام الموراوید شناخته میشوند )، غنای غربی را متصرف شدند .

۱۰۸۵- در اسپانیا شهر تولدو بوسیله مسیحیان از اشغالگران بازپس گرفته شد .

۱۰۸۶- جنگجویان المرابطون با شرکت در جنگ زالاکا بکمک اندلس شتافتند .

۱۰۹۰-۱۰۹۱- المرابطون تمام اندلس را بجز ساراگوسا و جزایر بالریک تصرف کردند .

۱۰۹۴- امپراتور بیزانس الکسیوس کومننوس از دنیای مسیحی کمک خواست تا تهاجم ترکهای مسلمان را که به سرزمین او یورش آورده بودند ، دفع کنند .

۱۰۹۵- پاپ اوربان دوم اولین نبرد تدافعی را مجاز شمرد و مسیحیان توانستند در سال ۱۰۹۹ اورشلیم را از مهاجمین پس بگیرند .

آنچه که فهرست وار گذشت، مسلم میدارد که دنیای مسیحی پس از تحمل چند قرن تهاجم و تجاوز از سوی مسلمانان بدفاع از خود پرداخت . اسلام از ابتدا در دوران خلافت ابوبکر و عمر در قرن هفتم به تهاجم بسرزمین های دیگر پرداخت و این شیوه را خلفای بعدی نیز دنبال کردند تا آنکه در سال ۱۰۰۴ اروپای غربی بدفاع برخاست . جنگجویان اسلامی در سال ۱۴۵۳ قسطنطنیه را تصرف کردند و برای دومین بار در ۱۶۸۳ وین را محاصره کردند که موفقیت آمیز نبود . (دفعه اول سال ۱۵۲۹ بود). طی قرون هفدهم و هیجدهم مقاومت شدید دنیای غرب مسلمانان را وادار به عقب نشینی کرد .

برای توجیه جنگهای مذهبی چند فرضیه مختلف ابراز شده است :

۱- فتوحات مذاهب دنیا : سید قطب در مباحثات اسلامی میگوید : ماموریت اسلام بر اندازی بیعدالتی از دنیا است . منظور او از این گفته آن است که اگر اسلام جامعه را کنترل نکند ، بیعدالتی گسترش پیدا میکند ولی در تحت لوای اسلام ، عدالت فراگیر میشود . ( در سایه اسلام ، جلد هفتم صفحات ۸ تا ۱۵ )  
قطب معتقد است که اسلام باید با توسعه طلبی تمام دنیا را متصرف شود تا عدالت کامل ( الله ) را بر زمین جاری سازد .

۲- نیرو های متمرّد حجاز : کارن آرمسترانگ راهبه سابق و نویسنده پرمایه در دفاع از تهاجمات اسلامی مینویسد از زمانی که خلیفه ابوبکر یورشهای علیه مسلمانان را در حجاز سرکوب کرد ، تصمیم گرفت تا با بکارگرفتن این نیروی عظیم و متمرّد درون امت اسلامی بر ضد دشمنان خارجی استفاده کند تا نارضایتی ها را تسکین دهد . هر چه بود در سال ۶۳۳ مهاجمین مسلمان بر علیه ایران ، سوریه و عراق جنگی تازه را شروع کردند . آرمسترانگ یادآوری میکند که در سال ۶۳۳ دشمنان خارجی مسلمانان عبارت بودند از : ایران و روم شرقی ولی این دو قدرت جهانی که در حد خود خطری برای اسلام محسوب میشدند ، در نتیجه سالها جنگ با یکدیگر ضعیف شده بودند بطوریکه در منطقه خلاء قدرت بوجود آمده بود (آرمسترانگ صفحه ۲۲۷) . نویسنده بهمین جا بسنده میکند و هیچ اشاره ای بحملات مسلمانان بطرف شمال حجاز نمیکند .

۳- مذهب ، اقتصاد و کنترل سیاسی : فرد دونر سرپرست مورخین فتوحات اولیه اسلامی ، علت العلل جنگهای مسلمانان را سه عامل اصلی میداند :

الف: پیام مذهبی اسلام که برگزیدگان مسلمان را تهییج میکرد تا به پیروی از پیامبر و فتوحات او اقدام کنند . پیام مذهبی اسلام محتوی فرمان مقدسی از سوی (الله) بود تا بنام او فتح کنند ( فتوحات اولیه اسلامی ، چاپ پرینستون سال ۱۹۸۱ صفحه ۲۷۰ ) .

ب- عامل اقتصادی : حکام اسلامی میخواستند مرزهای سیاسی کشور خودرا گسترش بدهند تا تجارت و تثبیت اقتصادی آنان بیشتر از پیش تضمین شود .

ج- آخرین عامل کنترل سیاسی بود . خلفا و فرمانروایان بر آن بودند تا موقعیت کشور خودرا در وضع سیاسی جدیدی که بوجود آمده بود حفظ کنند و اعراب مهاجم را به سرزمین هائی که تصرف میکردند ، کوچ دهند . با این استدلال ملاحظه میشود که اعراب مهاجم دلیلی بعنوان دفاع از خود نداشتند زیرا از سوی ممالک اطراف (امپراتوریهای ایران و روم شرقی ) هیچگونه عمل تحریک انگیزی بر علیه اعراب انجام نشده بود و این مسلمانان بودند که از ابتدا تهاجم را شروع کردند .

### لذت و هیجان فتح و شهادت :

خالد ابن ولید سردار خون آشام و فرمانده بسیار موفق جنگاوران مسلمان در پاسخ به شرایط تسلیم فرمانروای الحیره در کنار فرات ، به این سوال جواب میدهد که چرا مسلمانان بخارج از حجاز حمله کردند .

خالد قاصدی از سوی خود فرستاد و مردم را دعوت کرد تا به اسلام بگروند . و یا برای آنکه تحت لوای حکومت اسلامی زندگی کنند و اهل الذمه شناخته شوند میباید مالیات حفاظت بپردازند تا بار دیگر مورد حمله قرار نگیرند . نباید از نظر دور داشت که اهل الذمه شهروندان درجه دوم شناخته میشدند .

خالد میگوید : من شمارا به خدا و اسلام دعوت میکنم . اگر بدعوت من جواب مثبت بدهید شما مسلمان هستید و از منافع و مسئولیت هایش مستفیض میشوید . ولی اگر دعوت مرا نپذیرید ، باید جزیه بپردازید و اگر از پرداخت جزیه خوداری کنید من مردمان قبائلی را بر شما بر میانگیزم که بیشتر از آنچه که شما مشتاق زندگی هستید آنها بدنبال مرگ هستند . آن وقت ما با شما میجنگیم تا آنکه خدا بین ما و شما داوری کند . (تاریخ طبری، جلد یازدهم صفحه ۴) .

ابوبکر در یکی از گفتارهایش میگوید :

در حقیقت پاداش کتاب خدا برای جهاد در راه خدا عطیه ای است که هر مسلمانی آرزویش را دارد و بآن وسیله خدا مردمان را از تحقیر رهانیده و در این دنیا و جهان آینده باعث سرفرازی میشود . (طبری ۸۰/۸۴:۱۱-)

این گفته بمثابة معامله ای اقتصادی است که این جهان را با دنیای آینده تاخت میزند و با پیشنهاد اول فرد دونر مبنی بر عامل مذهبی ، فرموده ابوبکر کافی است تا در قرن هفتم میلادی هر جوان جنگجوی عرب را آماده شهادت کند .

خالد همچنان میگوید : اگر مسلمان نشوید و خراج هم نپردازید باید با لشگریانی بجنگید که بیشتر از علاقه شما بزنده ماندن ، آنها در آرزوی مرگ هستند .

هنگامی که خالد متوجه شد که سپاهیاناش میخواهند به حجاز برگردند ، از نعمات سرزمین پارس تعریف کرد و گفت: اگر در راه خدا جهاد کنید و مردمان را به اسلام دعوت کنید ، خدائی که به ما نیاز ندارد زندگی شمارا صد چندان بهبود خواهد بخشید ( تاریخ طبری ۲۰/۲۰۳۱:۱۱)

همانند پاپ اوربان دوم که در پاسخ قرنهایتجاوز و تهاجم مسلمانان ، برای اولین بار در سال ۱۰۹۵ اروپائیان را به پاسخگویی به تجاوز و جنگ با مسلمانان ترغیب کرد ، ۴۶۱ سال قبل از او در سال ۶۳۴ ابوبکر مسلمانان را بجنگ با غیر مسلمانان



(کفار) فرا خواند . با این مقدمه ملاحظه میکنید جنگ‌هایی که بنام جنگ‌های صلیبی شهرت یافته و در آن طی افسانه‌های گوناگونی دنیای مسیحی مورد حملات شدید لفظی قرار گرفته ، در حقیقت جنگ‌هایی است که از سوی مسلمانان دنیای مسیحی تحمیل شد و پس از پنج قرن مسیحیان را مجبور بدفاع کرد .

آیا جنگ‌های اسلامی اسلام را بزور شمشیر منتشر کرد ؟

حقایق تاریخی نشان میدهد که اغلب ممالک و نواحی متصرفه از حق انتخاب برخوردار بودند که:  
الف: جنگ یا مرگ ب: تغییر مذهب باسلام و پرداخت ذکاة ج: نگهداری ایمان خود و پرداخت جزیه  
جالب آن است که اغلب شق سوم را انتخاب میکردند . ولی سرانجام مجبور میشدند به اسلام بگروند تا زندگی آسوده تری داشته باشند . ابن خلدون دانشمند و مورخ شهیر عرب ( ۱۳۳۲-۱۴۰۶ ) که نوشته هایش امروز نیز از اعتبار خاصی برخوردار است ، مینویسد : در جامعه ای اسلامی جهاد وظیفه ای دینی است زیرا لازمه گسترش جهانی اسلام دعوت سایرین به قبول اسلام است . خواه با قبول دعوت و خواه با اجبار .  
هنگامیکه جنگاوران بحمله میپرداختند، پرچم‌هایی با خود حمل میکردند که روی آنها بزبان عربی به جلال و عظمت پیامبر اسلام شهادت میداد . ابن خلدون مأموریت جنگاوران را نفی نمیکند که گذشته از فتح سرزمین میبایست ساکنین آن نواحی را به اسلام بگروانند .

اولین پیروزی مسلمانان بر مسیحیان اروپائی ( مغرب ) چندان سودآور نبود . مسیحیان بارها سر بشورش برداشتند و مرتد شدند . در نتیجه مسلمانان تعداد زیادی از آنها را کشتند . اما باز هم بعد از آنکه در ظاهر اسلام را پذیرفتند دست از شورش و ارتداد بر نداشتند و غیر قابل کنترل و ناآرام باقیماندند . با این تفاسیل سالهای زیادی طول کشید تا اعراب توانستند قیمومت خود را بر مغرب تثبیت کنند .  
باید اذعان کنیم که جنگجویان صلیبی هر چند از روی ایمان میجنگیدند ، وقتی شمشیر میزدند، به آتش میکشیدند و مردم را به اجبار به مسیحیت میخواندند، از اصول مسیحیت دور افتاده بودند. عیسی مسیح هرگز خشونت نداشت و هیچوقت شاگردان خود را به خشونت ترغیب نکرد و فرمود : هر که شمشیر کشد به شمشیر کشته شود . با دانستن این حقیقت نتیجه میگیریم که اناجیل مقدس هرگز توسعه و پخش کلام خدای حقیقی را با زور و خشونت تأیید نمیکند .

جنگ‌های صلیبی نبردی کامل بود . اشتباه است اگر تصور کنیم که تنها هدف جنگ‌های صلیبی قدوسیت و حسن نیت بود . همانند تمام جنگ‌ها در این نبرد ها خشونت و سنگدلی و جنایت عواملی غیر قابل اجتناب بود .  
در روزهای نخستین اولین جنگ صلیبی در سال ۱۰۹۵ گروهی اوباش به سرپرستی کنت امیکو از مرکز اروپا براه افتادند و در مسیر خود در کنار رود راین به قتل و غارت یهودیان پرداختند . کشیش های محلی نومیدانه سعی کردند از قتل عام یهودیان جلوگیری کنند ولی مساعیشان بجائی نرسید . این گروه ادعا میکردند که یهودیان نیز مانند مسلمانان دشمنان قسم خورده مسیحیت هستند و نیز استدلال میکردند که منظور از غصب اموال و دارائی یهودیان تأمین هزینه جنگ برای تصرف اورشلیم است . البته در این میان کلیسا بیکار ننشسته بود و همواره حملات ضد یهودی را بشدت نکوهش میکرد .  
پنجاه سال بعد زمانیکه جنگ‌های صلیبی ثانوی داشت شروع میشد ، سنت برنارد چندین بار در سخنرانیهای خود تذکر داد که یهودیان بیگناه اند و جنگجویان مسیحی بهیچوجه نباید مزاحم آنها شوند . با اینهمه راهبی بنام رادلف بگفته های او اعتنا نکرد و اهالی اروپای مرکزی را بر ضد یهودیان شورانید . سر انجام سنت برنارد مجبور شد به آلمان برود و با رادلف روبرو شود و برای جلوگیری از قتل عام دیگری ، او را به صومعه اش بازگرداند .

اغلب گفته شده است که جنایات نازیها در آلمان در طی جنگ دوم جهانی ریشه در قتل عامهای قرون وسطی دارد البته یهودیان طی جنگ‌های صلیبی غارت شدند و بسیاری هم جان خود را از دست دادند ولی این جنگ‌ها با هدف قتل عام و نسل کشی یهودیان صورت نگرفت بر عکس پاپ ها، اسقفان و کشیش ها در تمام موارد مختلف یادآوری میکردند که نباید با یهودیان بد رفتاری شود و یا زبانی به آنها وارد آید . در جنگ‌های مدرن امروزی اینگونه مرگ‌ها را « صدمات جنبی » مینامند . میدانیم که در منازعات مدرن محلی بسیاری از زنان، کودکان و مردان بیگناه نیز کشته شده اند ، ولی نمیتوانیم ادعا کنیم که هدف جنگ‌های محلی کشتن زنها و کودکان بیگناه بوده است .

در اولین نظر بتاریخ درمیابیم که نخستین جنگ‌های صلیبی بسیار آشفته و درهم بود . فرمانده جنگی نداشت و از سلسله مراتب فرماندهی خبری نبود . تجهیزات جنگی و منابع تدارکاتی ملزومات وجود نداشت و از همه مهمتر طرح و استراتژی

جنگ معین نشده بود . بلکه هزاران نفر با هر سلاحی که در دسترسشان بود بطرف اراضی دشمن براه افتادند . تعداد زیادی از این گروه در طول راه از گرسنگی یا مرض مردند ، خیلی ها هم در جنگ کشته شدند . این حرکت حساب نشده و خشن بطرز معجزه آسانی موفق شد و صلیبیون در سال ۱۰۹۸ توانستند نقیه و انطاکیه را بحکومت مسیحی برگردانند و در ۱۰۹۹ نیز اورشلیم را تصرف کردند و در فلسطین حکومتی مسیحی برقرار کردند . با این تحولات شادمانی فوق العاده اروپا را در بر گرفت . بنظر میرسید که اوج تاریخی پیروزی مسلمانان رو به افول نهاده بود . ولی آنگونه نبود . در قرون وسطی مهمترین مسئله اروپا مسیحیت نبود بلکه اسلام بود . یکی از علل جنگهای صلیبی تغییر موقعیت و تعویض مقام مسیحیت با اسلام بود که کوششی بی ثمر بود و در طول پانصد سال جنگآوری تنها اولین جنگ صلیبی توانست بطور قابل توجهی از دست اندازی ، گسترش و تهاجم مسلمانان جلوگیری کند .

در سال ۱۱۴۴ که حومه ادسا بدست ترکها و کردها مسخر شد ، نهضت پشتمانی عظیمی از سوی لوئی هفتم از فرانسه و کنراد سوم از آلمان همراه با تشویق و ترغیب سنت برنارد براه افتاد که با شکست روبرو شد . گروه بسیار زیادی از صلیبیون در طول راه از پا درآمدند و آنها هم که زنده به اورشلیم رسیدند با حمله به مسلمانان دمشق اشتباه بزرگی مرتکب شدند زیرا دمشق با تمام قدرت از مسیحیان پشتمانی میگرد . با وجود این بدبختیها و شکست ها اروپائیان نه تنها مجبور بودند گسترش و نفوذ روزافزون مسلمانان را بپذیرند ، بلکه ایمان داشتند که خداوند آنها را بعلت گناهانشان ترک کرده و بدست مسلمانان انداخته است . از آنجا بود که نهضت مذهبی دیگری در اروپا پا گرفت که هدف آن تصفیه و پالایش جامعه مسیحی بود ، با این نیت که خداوند از گناهانشان بگذرد و آنها را لایق بداند تا بر شرق پیروز شوند .

در سالهای بعدی قرن سیزدهم طی دوره پنجم جنگهای صلیبی (۱۲۲۱-۱۲۱۷) مسیحیان توانستند دامیتا را در مصر بتصرف درآوردند ولی طولی نکشید که مسلمانان آنها را شکست دادند و دوباره شمال مصر را اشغال کردند . از فرانسه سنت لوئی نهم در طول عمرش دوبار در جنگهای صلیبی شرکت کرد . اولین جنگ او منجر به تصرف دامیتا شد ، اما مصریان او را مجاب کردند تا بسرعت شهر را ترک کند . لوئی چند سال در بیت المقدس گذراند ولی هرگز به آرزوی قلبی خود که آزاد سازی اورشلیم بود ، نرسید . لوئی در سال ۱۲۷۰ که پیر و سالخورده بود ، جنگ صلیبی دیگری را در تونس رهبری کرد و طی این جنگ بود که بعلت بیماری همه گیر درگذشت . با درگذشت سنت لوئی دو نفر از رهبران مسلمان که تاریخ به قسوت و خونخواری از آنان یاد میکند بنام های مالک الظهیر رکن الدین البندقداری و مالک المنصور سیف الدین النجمی العلاوی بر علیه مسیحیان اعلام جهاد کردند . با فرارسیدن سال ۱۲۹۱ مسلمانان موفق شدند آخرین جنگجویان مسیحی را بکشند و یا بفرار وادارند و با این ترتیب امپراتوری صلیبیون را از نقشه جغرافی پاک کنند . پس از آن با تمام کوشش و طرحهای مختلفی که مسیحیان ابراز داشتند ، هرگز نتوانستند تا قرن نوزدهم جای پائی در شرق مقدس برای خود پیدا کنند .

یادآوری جنگهای صلیبی و شکست های پی در پی اروپائیان این خاطره را زنده میکند که دنیای آنروز راه گریز دیگری نداشت . در طی قرون ۱۴ ، ۱۵ و ۱۶ امپراتوری اسلامی بسرعت قدرتمند شد و گسترش یافت . ترکهای عثمانی حتی با تصرف ممالک مسلمان باعث ایجاد یگانگی و اتحاد بیشتر بین مسلمانان شدند و با اشغال کنستانتینوپل به مرکز اروپا یورش بردند . با شروع قرن پانزدهم مسیحیان ب فکر سرزمین های دور دست نبودند و تنها هدفشان آن بود که نگذارند مسلمانان باقیمانده دنیای مسیحی را اشغال و تصرف کنند .

در سال ۱۴۸۰ سلطان محمد دوم شهر اوترانتو را تصرف کرد و از آنجا با هدف اشغال ایتالیا بحمله پرداخت . رم تخلیه شد ولی با مرگ سلطان محمد نقشه او نیز همراه او بگور رفت . با رسیدن سال ۱۵۲۹ سلطان سلیمان بزرگ به وین حمله کرد و اگر سپاهیان او بعلت ترس از طوفان از صحنه جنگ نگریخته و بقیه نیز متفرق نشده بودند ، بدون تردید ترک ها وین را تصرف میکردند و پس از آن نوبت آلمان فرا میرسید که در معرض حمله قرار بگیرد .

در طی سالهایی که حوادثی اینچنین دنیای مسیحی را بمبارزه میطلبید ، از نظر تاریخ انسانی رویداد بیسابقه دیگری در اروپا پدید آمد و آن رنسانس یا تجدید حیات علمی بود که از ترکیب غیرمتعارف ارزشهای رومی ، معنویات مذهبی قرون وسطی

با توجه به داد و ستد و روابط متقابل بوجود آمد و به نهضت‌های دیگری چون انساندوستی، انقلاب صنعتی و قرن اکتشافات انجامید.

از سوی دیگر جنبش پروتستانیسم با نفی پاپ و اعتقاد بخشش گناهان از طرف او که برای بسیاری از اروپائیان غیر قابل تصور بود، باعث ایجاد دودستگی در دنیای کاتولیک شد.

نکته بسیار جالبی که در تاریخ اورشلیم دیده میشود آن است که در طول صدها سال این منطقه که در بعضی نوشته‌ها «ملکوت آسمانی» نیز نامیده شده، هرگز در کنترل کامل مسیحیان یا مسلمانان نبوده است. بر اساس گفته سید حسین نصر، استاد مطالعات اسلامی دانشگاه جرج واشنگتن، پیامبر اسلام از سه طریق اورشلیم را برای مسلمانان تبدیل به مرکزی مقدس کرد. (اهمیت روحانی اورشلیم، نظریات اسلامی ۱۹۹۸ فصل چهارم صفحات ۲۴۲-۲۴۳).

محمد اورشلیم را اولین قبله مسلمانان قرار داد و با این اقدام رابطه ای عرفانی بین اورشلیم و مکه ایجاد کرد.

۲- زمانیکه محمد در مکه زندگی میکرد، گزارش شد که طی سفری شبانه در رویا به اورشلیم رفت. در مقدمه قرآن چاپ آکسفورد در سال ۲۰۰۴ با ترجمه عبدالحمید در باره سفر شبانه مینویسد:

۱: ۱۷- جلال و عظمت از آن اوست که بنده خودش را در یک شب از مکان مقدس پرستش (مکه) به دورترین مکان پرستش (اورشلیم) آورد و ما آنجا و اطرافش را برکت دادیم.

۱۷: ۵۹- ما علامات را بعنوان اخطار میفرستیم. ای پیامبر بتو گفته ایم که خدای تو همه مردمان را میشناسد. رویائی که بتو نشان دادیم فقط آزمایشی برای مردمان بود. ....

این دو آیه مسلم میدارد که محمد در مکه آرامش نداشت زیرا بت پرستان برای قبول رسالتش از او دلیل و علامتی میطلبیدند و او پاسخ میدهد: منم بشری مثل شما هستم و نمیتوانم معجزه کنم. تنها علامتی که (الله) باو میدهد، یک رویا است. دوم آنکه این مکاشفه فتح کعبه را قبل از وقوع باو مینمایاند. آیه اول میگوید (الله) اورشلیم را برکت میدهد (هر چند که در قرآن لغت اورشلیم ذکر نشده) همانطور که چند سال بعد مکه را برکت میدهد. باید یادآوری شود که تفصیل بعدی از سفر شبانه (معراج) از اورشلیم به آسمان هفتم و ملاقات با (الله) امروز اهمیت بیشتری برای مسلمانان دارد.

۳- حسین نصر مینویسد: مسلمانان معتقدند که عیسی مسیح در رجعت ثانوی به اورشلیم میآید، بنا بر این شهر اورشلیم برای مسیحیان و مسلمانان مقدس است. این گفته گمراه کننده و بی ارزش است زیرا: الهیات اسلامی میگوید که: عیسی مسیح بعنوان رهبر مسلمانان برمیگردد و صلیب را میشکند تا نشان بدهد که چقدر مسیحیان در پیروی از خداوند خود گمراه بوده اند. (البخاری ۳: ۴۲۵-۳: ۴۵۶-۴: ۶۵۷-۴: ۶۵۸) بهمین گونه در احادیث دیگر نیز از اورشلیم نام نمیرد. بلکه شایعات عمومی میگوید که (او) قرار است به دمشق باز گردد.

رویه‌رفته این سه عامل بزرگ (سفر شبانه در رویا، برقراری نخستین قبله و بازگشت ثانوی عیسی مسیح) اورشلیم را تبدیل به سومین شهر مقدس برای مسلمانان و مکانی برای زیارت و ادعای تملک آن میکند. با قبول نظر نصر مکاشفه و رویا بر تاریخ سبقت میگیرد. در حقیقت مکاشفه تاریخ را بوجود میآورد. حتی خود نصر نیز موافق است و در صفحه ۲۳۴ کتابش مینویسد:

نه تمام فلسطینی‌ها، نه تمام اعراب و نه یک میلیارد و دویست میلیون مسلمان دنیا نمیتوانند اورشلیم را با هیچ قدرت یا ثروت، زمین و یا هر غرامت دنیوی دیگر از دست بدهند. وابستگی به اورشلیم دائمی است و تا زمانی که دنیا پابرجا است، ادامه خواهد داشت.

در پاسخ باو باید گفت:

۱- او که میگوید (مسلمانان سراسر جهان نمیتوانند اورشلیم را از دست بدهند) تصور میکند که هم اکنون اورشلیم در دست مسلمانان و متعلق به آنها است. آیا نصر در این گفتار از پیشوایش محمد پیروی نمیکند که قبل از آنکه مکه را تصرف کند، ادعای مالکیت آنرا عنوان کرد؟

۲- نصر نمیتواند از سوی تمام مسلمانان جهان صحبت کند. آیا او میتواند ثابت کند که یک مسلمان تایلندی یا اندونزیایی یک وجب از خاک اورشلیم را با تمام ثروت و قدرت جهانی عوض نمیکند؟

۳- حسین نصر در انتها مسئله تاریخ تمدن انسان را بمیان میکشد و این تنها عاملی است که در ضمن عوامل اصلی بحث او از آن یاد نشده است .

دانشمند دیگر مسلمان بنام «ولید انصاری» از طریق دیگری به نتیجه گیری میپردازد و مینویسد :  
شاید تنها راه صلح خاورمیانه در آن است که اورشلیم نه پائیتخت اسرائیل و نه پائیتخت اعراب بلکه شهری کاملاً روحانی و غیر سیاسی و بین المللی بوده و به سرپرستی عالی نمایندگان ادیان ابراهیمی اداره شود .  
( اقتصاد تروریسم و بنیاد گرایی اسلامی چاپ ۲۰۰۴ صفحه ۲۱۶ ) .  
هر چند این نتیجه گیری میتواند رضایت مسلمانان را جلب کند ولی راهی یکطرفه است و هرگز نمیتوان تصور کرد که یهودیان پس از ۲۵۰۰ سال سرگردانی ، حال که کنترل بر اورشلیم را در دست گرفته اند ، بآسانی آن را به نمایندگان مذاهب دیگر تحویل بدهند . از نظر مسیحیان :  
اگر عیسی مسیح مکانی را مقدس ننماید ، شاگردان و پیروان او نیز چنین نخواهند کرد .  
( او ) هرگز مکان مشخصی را مقدس و مختص مسیحیان اعلام نکرد .  
برای ثبوت آنچه که مسلم است نیازی نیست تا تمام ادعاها را یکایک پاسخگو باشیم . در عین حال دلیلی نداریم که عیسی مسیح اورشلیم یا مکانی دیگر را شهر مقدس خوانده باشد . و یا از طریق که پیامبر اسلام با استفاده از شمشیر مکه را تقدیس کرد و زیارت امکنه مقدس را تجویز نمود ، چنین امری را در مسیحیت برقرار کرده باشد  
البته بیاد داریم که عیسی مسیح برای اورشلیم گریه کرد زیرا « زمان تقصد خود را نشناخت » ( لوقا ۴۴-۳۸:۱۹ ) و در معبد مقدس شلاق بدست گرفت و صرافان را از آنجا اخراج کرد ( لوقا باب ۱۹ آیات ۴۵ و ۴۶ ) . این اقدامات عیسی مسیح که در اناجیل ثبت شده ، لشکر کشی ، حمله و حرکاتی جنگی و کسب غنائم نبود . اگر او قصد تصرف و جنگ داشت ، میتوانست شاگردان ، پیروان و جمعیتی را که همیشه بدنبالش بودند ، تشجیع کند تا در جنگی مقدس ( جهاد ) او را در فتح اورشلیم همراهی کنند . همینطور میدانیم که او خرابی اورشلیم و انهدام معبد مقدس را پیش بینی کرد ( لوقا ۲۱:۲۰ ) ، میدانیم که او اولین عشای ربانی را در اورشلیم برقرار کرد  
( لوقا ۲۳:۷-۲۲ ) ، میدانیم که او را در اورشلیم صلیب کردند ( لوقا ۲۴:۲۶-۲۳ ) و میدانیم که در اورشلیم از مردگان برخاست ( لوقا ۱-۲۴ ) .

تمام آنچه که ذکر شد در کتب مقدسه مسیحی و همچنین در تاریخ ثبت شده و ادعاهائی بی پایه و اساس و معلق در هوا نیست . با اینهمه باید اذعان کنیم که ( او ) هرگز شهر اورشلیم را شهری مقدس و واجب زیارت اعلام نداشت و هرگز ادعا نکرد که اورشلیم باید تا باید متعلق به پیروان او باشد .

حسین نصر دانسته یا ناندانسته مینویسد : مسیحیان از نظر مذهبی وظیفه دارند تا علاقه و وابستگی خاصی به اورشلیم داشته باشند . همانطور که پدران ایشان با خونریزی ها و جنگهائی که بنام جنگهای صلیبی معروف شده ، در طی بیشتر از یک قرن برای تصرف اورشلیم که از نظر آنها شهری مقدس بود ، جنگیدند و کلیساهای آن ها در اروپا نیز این منازعات و خونریزیها را نوعی « زیارت اورشلیم مقدس » معرفی میکردند .  
در این یادداشت مغرضانه که از روی بی اطلاعی مطلق نویسنده آمده ، لغت کلیدی که بسیار نابجا استعمال شده لفظ ( وظیفه و وابستگی ) است . چرا او برای اثبات نظر خودش چنین وظیفه را ابداع کرده است ؟ خونریزی و جنگ و طرز برداشت کلیساهای اروپائی در قرون وسطی ؟ و زیارت اورشلیم ؟

تصور نمیشود که یک فرد مسیحی چینی و یا ژاپنی چگونه که حسین نصر میگوید وابستگی به اورشلیم و زیارت آن شهر را وظیفه ای مذهبی تلقی کند و در زندگی هدف دیگری غیر از مالکیت اورشلیم نداشته باشد . اگرچه لازمه این تملک مجازی جنگ و خونریزی باشد ! بجای اورشلیم زمینی مسیحیان معتقد به اورشلیم جدید آسمانی هستند ( مکاشفه یوحنا باب ۲۱ ) .  
بگفته سنت آگوستین : مسیحیان بزیارت شهری دنیوی نمیروند و در آرزوی زیارت اورشلیم آسمانی ، شهر خداوند هستند .

منابع و مأخذ

- ۱- انجیل متی
- ۲- انجیل لوقا
- ۳- تاریخ طبری
- ۴- عبدالحلیم ، مقدمه قرآن ، چاپ آکسفورد ۲۰۰۴
- ۵- تاریخ مساجد اسپانیا
- ۶- سید قطب : در سایه اسلام ، جلد هفتم
- ۷- کارن آرمسترانگ ، نیروهای متمرّد حجاز
- ۸- فتوحات اولیه اسلامی ، چاپ پرینستون ۱۹۸۱
- ۹- ابن خلدون ، وظایف مذهبی از نظر تاریخ
- ۱۰- اهمیت روحانی اورشلیم ، نظریات اسلامی ، سید حسین نصر
- ۱۱- الهیات اسلامی ، البخاری
- ۱۲- اقتصاد ، تروریسم و بنیادگرایی اسلامی ۲۰۰۴ ، ولید انصاری

- 1- The Real History of the Crusades , Prof,Thomas F.madden
- 2- Kingdom of Heaven , James Arlandson
- 3- World Wisdom , 2004, page216
- 4- -Wikipedia Encyclopedi





